



پیش از چندماه است که زنان روزنامه‌نگار، از تعرض‌هایی که در محیط کار بر آنها تحمیل می‌شود، سخن گفته‌اند. آنان سد گفتن از تابوها را که همیشه بر آنان به دلیل جنسیتشان سایه انداخته بود، شکسته‌اند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران به‌عنوان نهاد صنفی نیز کمپین‌ای تشکیل داده است تا شونده سخنان زنان روزنامه‌نگار و حامی آنان باشد. اما به نظر می‌رسد عملکرد انجمن و این کمپنه در این زمینه نتواند مورد قبول زنان روزنامه‌نگار قرار گرفته است. «عباس عدبی» رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران درباره رویکرد، نحوه عملکرد و سیاست‌های این نهاد صنفی به سؤالاتی پاسخ داده است.

خامنه‌ای‌ها همکار هم توانسته بودند هماهنگی مؤثری کنند، محیط کار بر آنها تحمیل می‌شود، سخن گفته‌اند. آنان سد گفتن از تابوها را که همیشه بر آنان به دلیل جنسیتشان سایه انداخته بود، شکسته‌اند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران به‌عنوان نهاد صنفی نیز کمپین‌ای تشکیل داده است تا شونده سخنان زنان روزنامه‌نگار و حامی آنان باشد. اما به نظر می‌رسد عملکرد انجمن و این کمپنه در این زمینه نتواند مورد قبول زنان روزنامه‌نگار قرار گرفته است. «عباس عدبی» رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران درباره رویکرد، نحوه عملکرد و سیاست‌های این نهاد صنفی به سؤالاتی پاسخ داده است.
خامنه‌ای‌ها همکار هم توانسته بودند هماهنگی مؤثری کنند، محیط کار بر آنها تحمیل می‌شود، سخن گفته‌اند. آنان سد گفتن از تابوها را که همیشه بر آنان به دلیل جنسیتشان سایه انداخته بود، شکسته‌اند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران به‌عنوان نهاد صنفی نیز کمپین‌ای تشکیل داده است تا شونده سخنان زنان روزنامه‌نگار و حامی آنان باشد. اما به نظر می‌رسد عملکرد انجمن و این کمپنه در این زمینه نتواند مورد قبول زنان روزنامه‌نگار قرار گرفته است. «عباس عدبی» رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران درباره رویکرد، نحوه عملکرد و سیاست‌های این نهاد صنفی به سؤالاتی پاسخ داده است.

کمپنه‌ای با تجربه و با ارتباطات خوب می‌تواند برای آنان راهنما و مشاور و کمک‌کننده باشد. اینکه چه کاری را توصیه کنند خودش چند نوع است، یک وقتی بیان می‌شود که چطور خودشان شخصا مواجه شوند. یک وقتی راهنمایی می‌شوند که چطور پیگیری غیرحقوقی کنند اما حتی ممکن است به آنها گفته شود که چگونه مستقل از هیئت‌مدیره این مسئله را پیگیری کنند. دبلیش هم کاملا مشخص است، شاید پرداختن به چنین مشکلی در این ابعاد می‌تواند در حد چند صحت‌هیئت‌مدیره و به‌صورت غیرکارشناسی دنبال شود. قرار شد کمپنه‌ای متشکل از روان‌شناس یا روان‌پزشک، حقوق‌دان و روزنامه‌نگاران باچیز که همگی را اعتماد هستند، دعوت شوند که در کنار هم این مسئله را شکل دهند. هدف این کمپنه را هم فلا اطلاع‌رسانی کردیم. اینجا دادگاهی برای شکایت نیست که دیگران سنگبازی زندانی شوند. این اصلا در چارچوب توانمندنی‌های هیچ نهاد مدنی‌ای نیست و از نهادهای مدنی فقط می‌توان در فراموشی به صدور حکم توسط کمیته منجر شد. این اصلا در صلاحیت انجمن نیست. هیچ انجمنی نمی‌تواند این کار را بکند. اما می‌تواند سپرد شود که افراد آزارگر آگاه باشند، بداند که رفتارهایشان رصد می‌شود، شاید بشود به شورای انبیه چنین جایی باشد که همکاران بتوانند به آن اعتماد و مراجعه کنند، می‌تواند هم بدارنده‌شان چنان رفتارهای باشد و هم اطمینان‌بخش برای خانم‌های همکار. چوود چنین جایی این دلگرمی را که می‌توانی خود خاضی رط ندارد بلکه به‌صورت عمومی نمی‌کند متونی تهیه کنه. کارگاه بگذارد و موضوع را عمومی کنه. این کل کاری است که انجمن می‌تواند در چارچوب آن پیش ببرد و انجام دهد. کم‌کم کردنی کار فراهم است.

از سوی دیگر کسانی که بری از دیگران هستند یا وجود چنین مرجعی حتما حساب خواهند بود و این کمپنه نقش بزرادندگی هم خواهد داشت. کار بعدی این است که خانم‌های مراجعه‌کننده راهنمایی و آموزش داده شوند که در چنین مواقعی چه رفتاری از خودشان نشان دهند. این هم کام دوم که مؤثر است چراکه بسیاری از همکاری که دچار مشکل می‌شوند، نمی‌دانند چه برخوردی در نظام داشته باشند، در نتیجه مورد پراشنان تکرار می‌شود. درصورتی‌که

می‌توانند مسئله را بازگو کنند؛ بنابراین رویکرد ما بیشتر پیشگیری، کمک به طرح و پیگیری درست مسئله و نیز دفاع از بیان تجربه‌های خانم‌های همکار است.

اظهاراتشان رسیدگی کنیم.

۴ درصحت‌هیاتان می‌گویید تشویق اما وقتی حتی یک پایانه حمایتی داده نمی‌شود، چطور این تشویق ممکن می‌شود؟ اگر این رسیدگی حقوقی نیست، ممکن است کسی کاری را انجام داده باشد، نه در جنایت‌ها، چون در این مرحله حتما باید در بخش‌های این است که بتوانیم دخالت هم کنیم. اما باید در نظر افسرد آزاردهنده اگر بیایند و پیوندز و اعلام کنند و عذرخواهی کنیم انجمن یک نهاد مدنی است، نمی‌تواند بدون توافق هر دو طرف ماجرا به این مرحله وارد شود و اقدام کند. ضمن اینکه اینجا مسئله‌ای نیست که به‌راحتی بتوان درباره‌اش اظهار کرد.

۴ پس منظور از اقدام‌کردن چیست؟ دعوت از دو طرف است، دعوت از کسانی که اطلاعاتی دارند و می‌خواهند داوطلبانه درباره این موضوع صحبت کنند. این موضوع‌ها در نهایت نمی‌تواند به صدور حکم توسط کمیته منجر شود. این اصلا در صلاحیت انجمن نیست. هیچ انجمنی نمی‌تواند

این کار را بکند. اما می‌تواند سپرد شود که افراد آزارگر آگاه باشند، بداند که رفتارهایشان رصد می‌شود، شاید بشود به شورای انبیه چنین جایی باشد که همکاران بتوانند به آن اعتماد و مراجعه کنند، می‌تواند هم بدارنده‌شان چنان رفتارهای باشد و هم اطمینان‌بخش برای خانم‌های همکار. چوود چنین جایی این دلگرمی را که می‌توانی خود خاضی رط ندارد بلکه به‌صورت عمومی نمی‌کند متونی تهیه کنه. کارگاه بگذارد و موضوع را عمومی کنه. این کل کاری است که انجمن می‌تواند در چارچوب آن پیش ببرد و انجام دهد. کم‌کم کردنی کار فراهم است.

از سوی دیگر کسانی که بری از دیگران هستند یا وجود چنین مرجعی حتما حساب خواهند بود و این کمپنه نقش بزرادندگی هم خواهد داشت. کار بعدی این است که خانم‌های مراجعه‌کننده راهنمایی و آموزش داده شوند که در چنین مواقعی چه رفتاری از خودشان نشان دهند. این هم کام دوم که مؤثر است چراکه بسیاری از همکاری که دچار مشکل می‌شوند، نمی‌دانند چه برخوردی در نظام داشته باشند، در نتیجه مورد پراشنان تکرار می‌شود. درصورتی‌که

می‌توانند مسئله را بازگو کنند؛ بنابراین رویکرد ما بیشتر پیشگیری، کمک به طرح و پیگیری درست مسئله و نیز دفاع از بیان تجربه‌های خانم‌های همکار است.

۴ درصحت‌هیاتان می‌گویید تشویق اما وقتی حتی یک پایانه حمایتی داده نمی‌شود، چطور این تشویق ممکن می‌شود؟ اگر این رسیدگی حقوقی نیست، ممکن است کسی کاری را انجام داده باشد، نه در جنایت‌ها، چون در این مرحله حتما باید در بخش‌های این است که بتوانیم دخالت هم کنیم. اما باید در نظر افسرد آزاردهنده اگر بیایند و پیوندز و اعلام کنند و عذرخواهی کنیم انجمن یک نهاد مدنی است، نمی‌تواند بدون توافق هر دو طرف ماجرا به این مرحله وارد شود و اقدام کند. ضمن اینکه اینجا مسئله‌ای نیست که به‌راحتی بتوان درباره‌اش اظهار کرد.

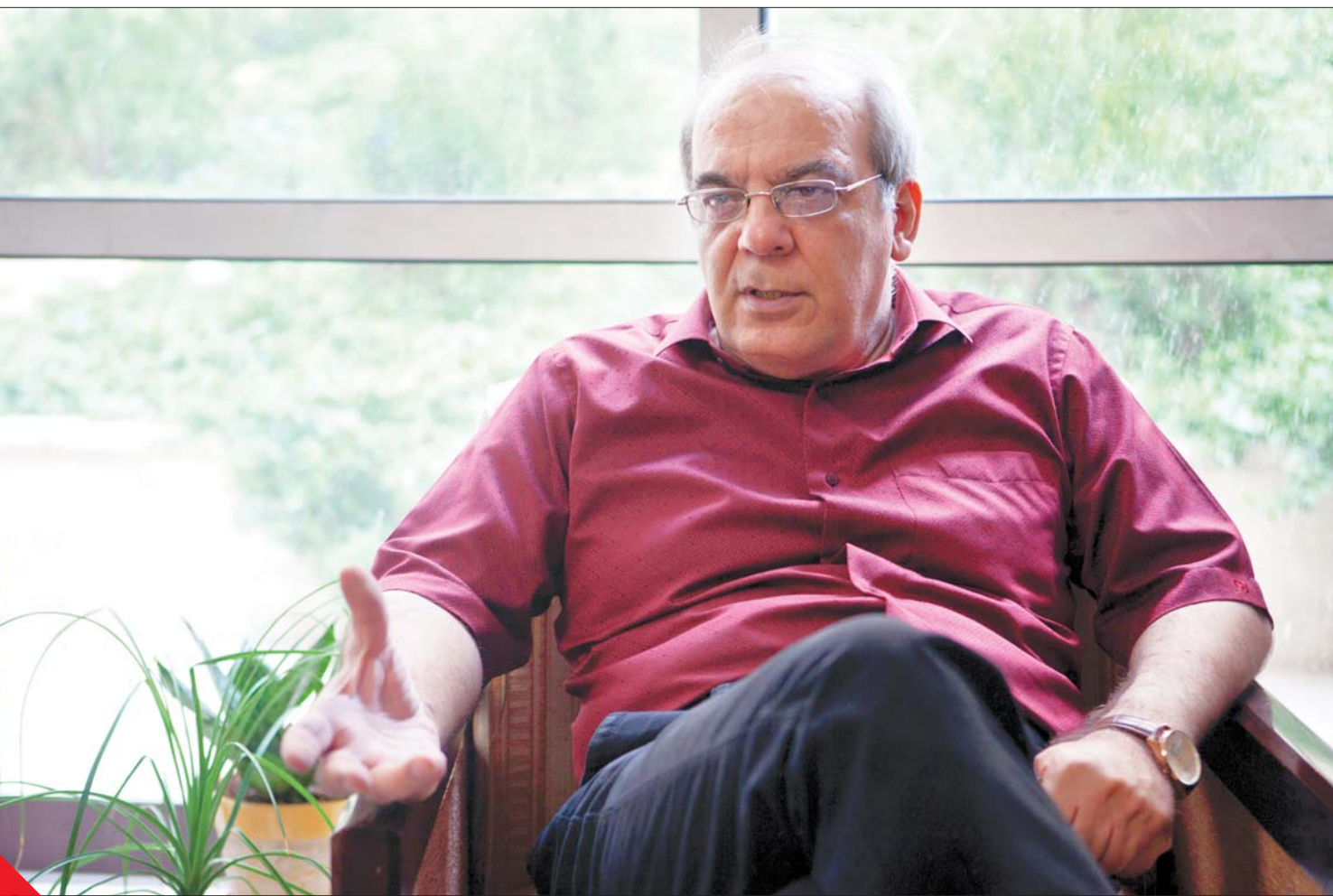
۴ پس منظور از اقدام‌کردن چیست؟ دعوت از دو طرف است، دعوت از کسانی که اطلاعاتی دارند و می‌خواهند داوطلبانه درباره این موضوع صحبت کنند. این موضوع‌ها در نهایت نمی‌تواند به صدور حکم توسط کمیته منجر شود. این اصلا در صلاحیت انجمن نیست. هیچ انجمنی نمی‌تواند

این کار را بکند. اما می‌تواند سپرد شود که افراد آزارگر آگاه باشند، بداند که رفتارهایشان رصد می‌شود، شاید بشود به شورای انبیه چنین جایی باشد که همکاران بتوانند به آن اعتماد و مراجعه کنند، می‌تواند هم بدارنده‌شان چنان رفتارهای باشد و هم اطمینان‌بخش برای خانم‌های همکار. چوود چنین جایی این دلگرمی را که می‌توانی خود خاضی رط ندارد بلکه به‌صورت عمومی نمی‌کند متونی تهیه کنه. کارگاه بگذارد و موضوع را عمومی کنه. این کل کاری است که انجمن می‌تواند در چارچوب آن پیش ببرد و انجام دهد. کم‌کم کردنی کار فراهم است.

از سوی دیگر کسانی که بری از دیگران هستند یا وجود چنین مرجعی حتما حساب خواهند بود و این کمپنه نقش بزرادندگی هم خواهد داشت. کار بعدی این است که خانم‌های مراجعه‌کننده راهنمایی و آموزش داده شوند که در چنین مواقعی چه رفتاری از خودشان نشان دهند. این هم کام دوم که مؤثر است چراکه بسیاری از همکاری که دچار مشکل می‌شوند، نمی‌دانند چه برخوردی در نظام داشته باشند، در نتیجه مورد پراشنان تکرار می‌شود. درصورتی‌که

می‌توانند مسئله را بازگو کنند؛ بنابراین رویکرد ما بیشتر پیشگیری، کمک به طرح و پیگیری درست مسئله و نیز دفاع از بیان تجربه‌های خانم‌های همکار است.

می‌توانند مسئله را بازگو کنند؛ بنابراین رویکرد ما بیشتر پیشگیری، کمک به طرح و پیگیری درست مسئله و نیز دفاع از بیان تجربه‌های خانم‌های همکار است.



ما باید افراد امون موجه، معتبر، تجربه‌ی و مطلع را معرفی کنیم تا حرف‌های خانم‌های همکار شنیده شود و بعد به چنین افراد و است و معترض نیست. سوا این است که اصلا انجمن می‌تواند وارد این شکل از بررسی شود؟ انکار بگوییم چرا انجمن پرواز نمی‌کند. خبر جواش مشخص است، چون بال ندارد. دوسنان مطرح می‌کند و می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند. پیشنهاد می‌دهند. باید در هر مرحله سوم کار خاتم همکار صلاح دانست برای پیگیری‌های بعدی یا اگر مراجعه کرد، اعضای کمیته، هر راهنمایی و کمکی را که می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند، پیشنهاد می‌دهند.

ما باید افراد امون موجه، معتبر، تجربه‌ی و مطلع را معرفی کنیم تا حرف‌های خانم‌های همکار شنیده شود و بعد به چنین افراد و است و معترض نیست. سوا این است که اصلا انجمن می‌تواند وارد این شکل از بررسی شود؟ انکار بگوییم چرا انجمن پرواز نمی‌کند. خبر جواش مشخص است، چون بال ندارد. دوسنان مطرح می‌کند و می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند. پیشنهاد می‌دهند. باید در هر مرحله سوم کار خاتم همکار صلاح دانست برای پیگیری‌های بعدی یا اگر مراجعه کرد، اعضای کمیته، هر راهنمایی و کمکی را که می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند، پیشنهاد می‌دهند.

ما باید افراد امون موجه، معتبر، تجربه‌ی و مطلع را معرفی کنیم تا حرف‌های خانم‌های همکار شنیده شود و بعد به چنین افراد و است و معترض نیست. سوا این است که اصلا انجمن می‌تواند وارد این شکل از بررسی شود؟ انکار بگوییم چرا انجمن پرواز نمی‌کند. خبر جواش مشخص است، چون بال ندارد. دوسنان مطرح می‌کند و می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند. پیشنهاد می‌دهند. باید در هر مرحله سوم کار خاتم همکار صلاح دانست برای پیگیری‌های بعدی یا اگر مراجعه کرد، اعضای کمیته، هر راهنمایی و کمکی را که می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند، پیشنهاد می‌دهند.

ما باید افراد امون موجه، معتبر، تجربه‌ی و مطلع را معرفی کنیم تا حرف‌های خانم‌های همکار شنیده شود و بعد به چنین افراد و است و معترض نیست. سوا این است که اصلا انجمن می‌تواند وارد این شکل از بررسی شود؟ انکار بگوییم چرا انجمن پرواز نمی‌کند. خبر جواش مشخص است، چون بال ندارد. دوسنان مطرح می‌کند و می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند. پیشنهاد می‌دهند. باید در هر مرحله سوم کار خاتم همکار صلاح دانست برای پیگیری‌های بعدی یا اگر مراجعه کرد، اعضای کمیته، هر راهنمایی و کمکی را که می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند، پیشنهاد می‌دهند.

ما باید افراد امون موجه، معتبر، تجربه‌ی و مطلع را معرفی کنیم تا حرف‌های خانم‌های همکار شنیده شود و بعد به چنین افراد و است و معترض نیست. سوا این است که اصلا انجمن می‌تواند وارد این شکل از بررسی شود؟ انکار بگوییم چرا انجمن پرواز نمی‌کند. خبر جواش مشخص است، چون بال ندارد. دوسنان مطرح می‌کند و می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند. پیشنهاد می‌دهند. باید در هر مرحله سوم کار خاتم همکار صلاح دانست برای پیگیری‌های بعدی یا اگر مراجعه کرد، اعضای کمیته، هر راهنمایی و کمکی را که می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند، پیشنهاد می‌دهند.

ما باید افراد امون موجه، معتبر، تجربه‌ی و مطلع را معرفی کنیم تا حرف‌های خانم‌های همکار شنیده شود و بعد به چنین افراد و است و معترض نیست. سوا این است که اصلا انجمن می‌تواند وارد این شکل از بررسی شود؟ انکار بگوییم چرا انجمن پرواز نمی‌کند. خبر جواش مشخص است، چون بال ندارد. دوسنان مطرح می‌کند و می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند. پیشنهاد می‌دهند. باید در هر مرحله سوم کار خاتم همکار صلاح دانست برای پیگیری‌های بعدی یا اگر مراجعه کرد، اعضای کمیته، هر راهنمایی و کمکی را که می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند، پیشنهاد می‌دهند.

ما باید افراد امون موجه، معتبر، تجربه‌ی و مطلع را معرفی کنیم تا حرف‌های خانم‌های همکار شنیده شود و بعد به چنین افراد و است و معترض نیست. سوا این است که اصلا انجمن می‌تواند وارد این شکل از بررسی شود؟ انکار بگوییم چرا انجمن پرواز نمی‌کند. خبر جواش مشخص است، چون بال ندارد. دوسنان مطرح می‌کند و می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند. پیشنهاد می‌دهند. باید در هر مرحله سوم کار خاتم همکار صلاح دانست برای پیگیری‌های بعدی یا اگر مراجعه کرد، اعضای کمیته، هر راهنمایی و کمکی را که می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند، پیشنهاد می‌دهند.

۴ موضوع این گفت‌وگو، بحث نظام پارلمانی و نظام ریاستی است که اخیرا با طرح موضوع احای پست نخست‌وزیری با رویکرد علمی به آن می‌پردازیم. مستخضرید که با مشروطه عنوان «صدرالطغمة» و «رئیس‌الوزراء» در نظام سیاسی ایران ایجاد شد و امروز این امر اجرائی کشور توسط فراغتم اداره می‌شود اما «دولت» به مفهوم امروزی در عمل در دورا بهولی ایجاد شد و جایگاه «نخست‌وزیر» تعریف دقیق‌تری در نظام سیاسی ایران یافت. این جایگاه از دوران «مفسرالدوله» به‌عنوان اولین صدرالطغتم از انقلاب مشروطه تا «ساحور پختیار» به‌عنوان آخرین نخست‌وزیران دوران سلطنت، وضعیت‌های متنوع و مختلفی را شامل شده که از جمله آنها به سبوی‌های در نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و امیرعباس هویدا اشاره کرد. پس از انقلاب اسلامی، منصب از اینگونه اختصار در دوران دولت موقت بزرگان، مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلام ایران در سال ۱۳۵۸ پس از نخست‌وزیری در تغییراتی که در قانون اساسی به وجود آمد تا سال ۱۳۸۴ حفظ شد و امروز اکثری با تغییر بدقیقتر قوه مجریه با رئیس جمهور» و «نخست‌وزیر» اداره می‌شود که مزایا و معایب دقتقر خود را داشت. در تغییرات قانون اساسی سال ۱۳۶۸ پست و عنوان «نخست‌وزیر» از نظام اجرائی کشور حذف شد و اغلب اختیارات نخست‌وزیر به رئیس جمهور داده شد. توجه به اینکه اخیرا در جامعه بحث حذف «جایگاه نخست‌وزیری» و ایجاد «پست نخست‌وزیر» به‌صورت جدی مطرح شد، با ذکر این مقدمه، این سؤوال مطرح می‌شود که نظام پارلمانی چه مزایا و برتری‌ای از نظام ریاستی دارد و آیا می‌توان نظام پارلمانی را عنوان ریاست‌جمهوری، اختصار نظام تدبیر کشور مرتفع خواهد بود.

درعین‌حال این اختیار را به مردم می‌دهد. حالا حکومت اسلامی اینجا چه کاره است؟ حکومت اسلامی از تحقق کماحیت الهی است. حاکم اسلامی چه کاره است؟ حاکم اسلامی هم در چارچوب موازین اسلامی در راستای تحقق این حاکمیت اسلامی باید کام برآورد. بنابراین آن را با این دو وضعیت مواجه هستیم. قانون اساسی ما هم بر اساس موازین اسلامی شکل گرفته است. نکته دیگر اینکه به‌طورکلی امروز شرط لازم برای اداره امور جامعه وضعیتی است که از آن با نام «دموکراسی» یاد می‌کنند. این دموکراسی در حکومت اسلامی بدقیقه شده است و از نگاه اسلام اینکه حکمرانی پارلمانی باشد یا ریاستی خیلی فرقی ندارد. از نگاه اسلام هر نوع حزاب و سبوی‌های حکمرانی که بتواند حاکمیت الهی را تحقق بخشد، مطلوب است و این‌گونه نیست که حتما باید نظام پارلمانی یا ریاستی باشد بلکه هرگونه تحقق این حاکمیت الهی مطرح است که در نظام امروز به آن توجه شده است. بنابراین حاکمیت و حکومت اسلامی باید که در راستای اداره الهی حرکت کند، هیچ مشکلی نخواهد داشت و نظام اسلامی هیچ مشکلی با نظام پارلمانی یا نظام ریاستی با نظام تفکیک قوا یا دموکراسی ندارد. اینجا عدالتی برقرار باشد. اراده الهی محقق شود و مردم زندگی مطلوبی داشته باشد. از نظر اسلام مطلوب است و نفی نمی‌شود.

۴ اما جدید بحث‌تربعضی به سخن شما داشته باشیم، ما در رابطه با حکومتی صحبت می‌کنیم که حکومتی فدرالی است. وقتی جمهوری مقید می‌شود، آیا عنوان «جمهوری» به این معنی در سوا می‌رساند؟
ببینید جمهوری اسلامی دارای دو ویژگی است: یکی ویژگی شکلی و دیگری ویژگی ماهوی. ویژگی شکلی آن جمهوری است؛ یعنی نظر مردم، حکومت مردم، اراده مردم یعنی همان دموکراسی اما همین معنوی ماهیتش اسلامی است. یعنی اثا مردم باید در چارچوب موازین اسلامی و موازین اسلامی باشد. اما سؤوال اینجاست آیا این معنوی، تحمیلی بوده است و از طرف دیگر با افرادی که قریه به جامعه تحمیل شده به بر اساس انتخاب مردم بوده است؟ اگر مردم در این دوران از شخص‌ها به انتخاب کرده‌اند، مردم همین قیدی که شما می‌فرمایید اراده خود مردم بر اراده خودشان اعمال می‌شود.

ماهیون، ویژگی شکلی آن جمهوری است؛ یعنی نظر مردم، حکومت مردم، اراده مردم یعنی همان دموکراسی اما همین معنوی ماهیتش اسلامی است. یعنی اثا مردم باید در چارچوب موازین اسلامی و موازین اسلامی باشد. اما سؤوال اینجاست آیا این معنوی، تحمیلی بوده است و از طرف دیگر با افرادی که قریه به جامعه تحمیل شده به بر اساس انتخاب مردم بوده است؟ اگر مردم در این دوران از شخص‌ها به انتخاب کرده‌اند، مردم همین قیدی که شما می‌فرمایید اراده خود مردم بر اراده خودشان اعمال می‌شود.
ممكن است این سؤوال که دانشجوین از ما هم می‌پرسند، مطرح شود که به پدران ما در ۱۲۸۵ این قانون اساسی را نوشته‌اند و پدران ما این گونه بوده است. دوران ما هم چنین حکمرانی‌ها در دوران باستان حتی وقتی یک فردی قدرت را در دست داشته و می‌خواهد حکومت کند یک نوع نظام حکمرانی داشته است اما این حکمرانی بیشتر مبتنی بر عهده و وادات حقوق شخصی افراد بوده است. به تعبیر «الحق لله» اما بعدا که بحث تفکیک اختیارات در دوران مردم مطرح شد، تعاریف تغییر کرد و تفاوت‌ها و چشمگیری با حقوق اساسی دوران باستان داشت. یکی از ویژگی‌های اصلی حقوق حکومتی مبتنی بر قانون تکلیف کرد. در این میان بحث‌های جدی‌تری مطرح شد که در حوزه حقوق اساسی مورد توجه است و سایر اراده‌ها در راستای اراده خداوند است. از جوامع‌ای که اراده خداوند را پذیرفته بود، در راستای اراده خداوند حرکت کرد. این عمل خداوند تبارک و تعالی را هم به انسان‌ها داده است. همان‌طورکه در اصل ۵۶ قانون اساسی ما آمده است، با حقوقی متعلق از آن خداوند هم و اسوای آن را سرزنش می‌کنیم. جلد سابع، یعنی زمین‌حال که در زمین‌ها هم در اصل حاکمیت میانی اصلی است و سایر اراده‌ها در طول اراده خداوند است اما خداوند انتخاب و اختیار به افراد داده است. یعنی خداوند هم حاکمیت تکوینی دارد هم حاکمیت تشریعی. اما

سیاست

گفت‌وگو با عباس عدبی درباره چگونگی مقابله با آزار زنان روزنامه‌نگار

۴ گام مدنی در حمایت از آزاددیدگان

می‌توانند مسئله را بازگو کنند؛ بنابراین رویکرد ما بیشتر پیشگیری، کمک به طرح و پیگیری درست مسئله و نیز دفاع از بیان تجربه‌های خانم‌های همکار است.

ما باید افراد امون موجه، معتبر، تجربه‌ی و مطلع را معرفی کنیم تا حرف‌های خانم‌های همکار شنیده شود و بعد به چنین افراد و است و معترض نیست. سوا این است که اصلا انجمن می‌تواند وارد این شکل از بررسی شود؟ انکار بگوییم چرا انجمن پرواز نمی‌کند. خبر جواش مشخص است، چون بال ندارد. دوسنان مطرح می‌کند و می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند. پیشنهاد می‌دهند. باید در هر مرحله سوم کار خاتم همکار صلاح دانست برای پیگیری‌های بعدی یا اگر مراجعه کرد، اعضای کمیته، هر راهنمایی و کمکی را که می‌تواند به خاتم مورد تعرض انجام دهند، پیشنهاد می‌دهند.

۴ پس منظور از اقدام‌کردن چیست؟ دعوت از دو طرف است، دعوت از کسانی که اطلاعاتی دارند و می‌خواهند داوطلبانه درباره این موضوع صحبت کنند. این موضوع‌ها در نهایت نمی‌تواند به صدور حکم توسط کمیته منجر شود. این اصلا در صلاحیت انجمن نیست. هیچ انجمنی نمی‌تواند

این کار را بکند. اما می‌تواند سپرد شود که افراد آزارگر آگاه باشند، بداند که رفتارهایشان رصد می‌شود، شاید بشود به شورای انبیه چنین جایی باشد که همکاران بتوانند به آن اعتماد و مراجعه کنند، می‌تواند هم بدارنده‌شان چنان رفتارهای باشد و هم اطمینان‌بخش برای خانم‌های همکار. چوود چنین جایی این دلگرمی را که می‌توانی خود خاضی رط ندارد بلکه به‌صورت عمومی نمی‌کند متونی تهیه کنه. کارگاه بگذارد و موضوع را عمومی کنه. این کل کاری است که انجمن می‌تواند در چارچوب آن پیش ببرد و انجام دهد. کم‌کم کردنی کار فراهم است.

از سوی دیگر کسانی که بری از دیگران هستند یا وجود چنین مرجعی حتما حساب خواهند بود و این کمپنه نقش بزرادندگی هم خواهد داشت. کار بعدی این است که خانم‌های مراجعه‌کننده راهنمایی و آموزش داده شوند که در چنین مواقعی چه رفتاری از خودشان نشان دهند. این هم کام دوم که مؤثر است چراکه بسیاری از همکاری که دچار مشکل می‌شوند، نمی‌دانند چه برخوردی در نظام داشته باشند، در نتیجه مورد پراشنان تکرار می‌شود. درصورتی‌که

گفت‌وگو با دکتر خیرالله پروین

نظام سیاسی ما ناشی از انتخاب و اراده عمومی است

علیرضا غریب‌دوست

از رزش‌ها، هنجارها، باایده و ناپایده، خواست‌ها و اراده‌های در جامعه ایران شکل گرفته که نهایتاً به انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ منتهی شد و آن را ایجاد کرد؛ یعنی آن انقلابی که باورمندى‌ها انقلاب را ایجاد کرد برای تحقق بخشیدن به آرمان‌ها، آزرها و اهداف، قانون اساسی رسال ۱۳۵۸ نوشته و ۱۰ سال اجرا شد و مردم چه به این نتیجه رسید که این قانون اساسی با وضع آن زمان با آن نظام یعنی چون انسان‌ها اندیشه دارند و فکر می‌کنند، به معنای همسویی آنها با یکدیگر نیست؛ و تفکر و اندیشه و نیاز به کثرت‌گرایی است. اصل ششم در دموکراسی در جامعه حقوق اقلیت‌هاست که بر قانون اساسی ما در اصل ۲۱ آن تأکید شده است. درعین‌حال همین دموکراسی باید تضمینی در آن وجود داشته باشد. تصمیم‌هایی که برای اعمال دموکراسی صورت گیرد و در جامعه اسلامی باشد چه غیراسلامی ـ مبتنی بر اصولی است. اصل اول انتخاب از سوی مردم است یعنی مقام و زمامدار بر اساس انتخاب مردم در مسئولیت قرار گیرد. اصل دیگر، محدودیت دوره ریاست است یعنی محدودیت در ریاست‌تقار می‌گیرد و دولت را در اختیار می‌گیرد، باید در زمان‌های محدود باشد، اگر نامحدود بشود آن زمان دموکراسی مخدوش می‌شود.

۴ اجازه بفرمایید از این بحث عبور کنیم و به سؤوال دیگری بپردازیم: باورمندى‌ها، اراده خداوند در جامعه اسلامی است.

ما هم در قانون اساسی به آن تصریح کرده و گفته‌ایم تبعیض نأرو بسندیده نیست، اصل چهارم برای دموکراسی کثرت‌گرایی است؛ یعنی کثرت جامعه در رای‌گیری، در همه‌پرسی باید بتوانند اعمال نظر کنند و در انتخابات و قانون انتخابات هم داریم و فرسکی بالاترین آرای مردم را به خود اختصاص داد، انتخاب سنده و مسئولیت هست؛ یعنی چون انسان‌ها اندیشه دارند و فکر می‌کنند، به معنای همسویی آنها با یکدیگر نیست؛ و تفکر و اندیشه و نیاز به کثرت‌گرایی است. اصل ششم در دموکراسی در جامعه حقوق اقلیت‌هاست که بر قانون اساسی ما در اصل ۲۱ آن تأکید شده است. درعین‌حال همین دموکراسی باید تضمینی در آن وجود داشته باشد. تصمیم‌هایی که برای اعمال دموکراسی صورت گیرد و در جامعه اسلامی باشد چه غیراسلامی ـ مبتنی بر اصولی است. اصل اول انتخاب از سوی مردم است یعنی مقام و زمامدار بر اساس انتخاب مردم در مسئولیت قرار گیرد. اصل دیگر، محدودیت دوره ریاست است یعنی محدودیت در ریاست‌تقار می‌گیرد و دولت را در اختیار می‌گیرد، باید در زمان‌های محدود باشد، اگر نامحدود بشود آن زمان دموکراسی مخدوش می‌شود.

ما هم در قانون اساسی به آن تصریح کرده و گفته‌ایم تبعیض نأرو بسندیده نیست، اصل چهارم برای دموکراسی کثرت‌گرایی است؛ یعنی کثرت جامعه در رای‌گیری، در همه‌پرسی باید بتوانند اعمال نظر کنند و در انتخابات و قانون انتخابات هم داریم و فرسکی بالاترین آرای مردم را به خود اختصاص داد، انتخاب سنده و مسئولیت هست؛ یعنی چون انسان‌ها اندیشه دارند و فکر می‌کنند، به معنای همسویی آنها با یکدیگر نیست؛ و تفکر و اندیشه و نیاز به کثرت‌گرایی است. اصل ششم در دموکراسی در جامعه حقوق اقلیت‌هاست که بر قانون اساسی ما در اصل ۲۱ آن تأکید شده است. درعین‌حال همین دموکراسی باید تضمینی در آن وجود داشته باشد. تصمیم‌هایی که برای اعمال دموکراسی صورت گیرد و در جامعه اسلامی باشد چه غیراسلامی ـ مبتنی بر اصولی است. اصل اول انتخاب از سوی مردم است یعنی مقام و زمامدار بر اساس انتخاب مردم در مسئولیت قرار گیرد. اصل دیگر، محدودیت دوره ریاست است یعنی محدودیت در ریاست‌تقار می‌گیرد و دولت را در اختیار می‌گیرد، باید در زمان‌های محدود باشد، اگر نامحدود بشود آن زمان دموکراسی مخدوش می‌شود.



این کمپنه، بلکه کمپنه‌ها و فعالیت‌های دیگر به روی همه همکاران کشوده و اصلا مال خودشان است. بنده هم یک عضو هستم مثل دیگران. بیايند در انجاء کار مشارکت کنن و آن را در دست بگیرند. انگر نظری، ایده‌ای یا سخنی دارند، انجاء دهند، هیت‌مدیره هم کمک می‌کنند. اما اگر فکر می‌کنند عداوی در انجمن نشسته‌اند تا کارها را و طایف‌ها شنی آنها را انجاء دهند، امکان‌پذیر نیست.

۴ کار وظیفه انجمن این نیست؟ مگر افراد هیت‌مدیره انتخاب نشده‌اند که چنین کارهایی را انجام دهند؟ اما انجمن صنفی از زنان روزنامه‌نگار که دچار آزار شده‌اند این آزار را بیان کرده‌اند، حمایتی نکرده است؟

اینکه چنین اتفاقی‌های برای عداوی از همکاران می‌دهد، تردید نیست. انجمن باید در سطح کلان این مسائل را معکوم کنیم. بازمه تردیدی نیست. کاری که می‌توانیم بکنیم، این است که کمپنه‌ای تشکیل دهیم و از آنها حمایت کنیم، ولی ما به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم به‌طور مصداقی خارج از درخواست‌های شخصی خانم‌های همکار برای آرای کار کنیم که درخواست آن را ندارند.

وقتی می‌خواهیم به صورت مصداقی به نتیجه‌ای برسیم، باید قادر باشیم میانی‌هایی را رعایت کنیم. چطور می‌توانیم به خودمان حق بدهیم که بدون دخاطی از رسیدگی و پیگیری اعدای کسی را تأیید یا رد کنیم؟ مهم‌ترین حمایتی که می‌توانیم به‌همان مواردی است که در کمپنه انجمن ارائه می‌شند آن فراهم شده است. بیشتر آن را شرح دادم. اما آیا مثلا یک انجمن صنفی می‌تواند علیه یک فرد بیاید؟ چه باید؟ نه اخلاقی نیست. حقوقی نیست. ممکن است ما اراده به اخاط شخصی اطمینان شهود داشته باشیم که چنین آزاری رخ داده است این دلیل نم‌تواند بر ظمان را به صورت علمی و عمومی بیان کنیم. ما به اخاط شخصی، خیلی در مسائل از باور و اطمینان داریم، اما برای بیان عمومی، نیازمند طریکردن شرایط‌های است. اگر این هم را رنجی راجتی، بود و بقیه سگ نم‌تواند. پس تنها حمایت‌هایی که ما همان چارچوبی است که به‌بهرمورد این اطلاع بیاید، یعنی عرق در این زمینه پیشنهادی را طرف‌ه اولیه پیگیری ما‌رجا داده شده است از جمله دعوت از خانم‌های همکار برای انجام نشستی جهت اخاط تجربیات به بقیه زنان روزنامه‌نگار، گذاشتن جلسه با مدیران مسئول تا در محیط انجمن آرای شود، یعنی گزارش تحلیلی در زمینه سکوت رسانه‌ها درباره آزار زنان شصیه گزارش‌ها را به‌همان‌طور که در این زمینه پیشنهادی رفتار رسانه‌ها در حوادث آن‌ها، حمایت از زنان روزنامه‌نگاری که به دلیل آزار مردان از کار اخراج شده یا تاگزیر به یک کار کشده‌اند، دعوت از زنان روزنامه‌نگار فعال در زمینه تربیع عرق برای همکاری با انجمن و موارد مشابه که انجام مطلوب همه آنها مستلزم حضور و مشارکت همه همکاران است و باید مداوم با دفاع می‌کند. نه همین‌جا اعلام می‌کنم درهای انجمن نه‌تواند

و هم مباشرت، پس رهبری بر قوای حاکم نظارت هم دارد و نوعی نهاد رفاهه‌ای است. جمهوری اسلامی را باید از نظر هنجاری، ساختاری و رفتاری مورد بررسی قرار دهیم. از نظر هنجاری مردم حاکم بر سرنوشته خویش هستند و هیچ‌چیز کن ندارد این حق را مردم سلب کرده و در اختیار قرار بروهی قرار دهد، همان‌طور که در اصل نهم قانون اساسی به صورت جدی به آن تأکید کرده است. از نظر ساختاری در عین اینکه اصل ششم قانون اساسی می‌گوید اداره امور کشور به اتکای آرای عمومی است، اما در اصل پنج آمده است که در عصر عبیت، ولایت امر برعهده یک قفیه عادل و تقواست که از پیش‌نماینگان مردم یعنی مجلس بزرگان رهبری انتخاب می‌شود. به‌نوعی اینجا بحث نیازت از امام زمان (عج) را می‌کند و جانشین امام زمان می‌داند. همین‌طور از ساختاری، رهبری بر قوای حاکم اشراق و نظارت دارد که بر مبنای قانون اساسی است. یعنی رهبری هم اشراق معنوی دارد و در این اشراق معنوی، نبوغی بزرگسای دارد و این اشراق معنوی هم احزابی که برای رهبری در اختیار می‌گیرند، با هم امروزه هم در عمل وجود دارد. این است که جایگاه رهبری فراتر از نهادهاست و به‌نوعی دیگر نهاده‌ها درعین‌حال که منتخب مردم هستند و اختیار کافی هم دارند، درباره رهبری بر قالب‌هایی آن را اجرا نمی‌کنی. یکی از آن قالب‌ها، نظام پارلمانی بود که در آن نظام، آنها را مردم می‌کنند، رهبری در آن دخالتی ندارد و مبتنی بر وضعیت اجتماعی است که بر قانون اساسی می‌دهد. اما می‌بینیم رئیس‌جمهور درحالی‌که فرد نمود اجرائی کشور است و اختیارات لازم را دارد، رهبری هم اختیارات اجرائی دارد، بنابراین نظام ما به‌نوعی از سال ۱۳۵۸ هم در دین ساختار و به دلیل اینکه امور اجرائی کشور سارکنی بود، یک رکن رئیس‌جمهور و یک رکن نخست‌وزیر بود و یک رکن هم رهبری، رئیس‌جمهور منتخب مردم بود، اما نخست‌وزیر منتخب پارلمان، از طرفی هم منتخب مردم است و از طرفی هم نماینده اجتماعی که رئیس‌جمهور منتخب مردم است، از طرفی هم سیاست ریاستی است و اجابایی که نخست‌وزیر منتخب پارلمان است، ویژگی نظام پارلمانی بود و رهبری هم فراتر از این بود، هم در امور اجرائی مباشرت داشت، هم بر دو رکن دیگر دستکاه اجرائی نظارت می‌کرد.

۴ پرسش می‌کنم که بالاخره شرایطی به وجود آمده باشد که نظام پارلمانی را ایجاد کنند؛ چون نمی‌توان رئیس‌جمهور را حذف کرد و اصلا وصف جمهوریت از نظام «جمهوری اسلامی» ساقط می‌شود. منصرف از اینکه نیازمند نظام قانون اساسی است به فرض تحقق وضعیت، به‌نوعی اختیارات ریاست‌جمهوری به‌طور محسوسی کاسته خواهد شد و رئیس‌جمهور تنها یک مقام تشریفاتی خواهد شد. در چنین صورتی به نظر شما چه میزان از قدرت و اختیارات رئیس‌جمهور بیاید و «رهبری» و «وظیفه» که در همه «نخست‌وزیر» باید داده شود که مسئولیت نهاد تل در این زمینه چیست؟
۴ نخست انقلاب داشتیم و به وجود نیاید؟ آیا شخصیت در این زمینه وجود دارد؟
از ارمیدیم و پایداری را به‌نوعی در اختیار انقلاب برزیم و مشکلات ایجاد داشتیم. نخست‌وزیر است و رئیس‌جمهور است. اما این دو در اصل در اختیار اختیارات دارند و به‌بیشتر به دلیل تجربه کم در این زمینه بود که در نهایت قدرت به حذف دست نخست‌وزیر شد. از سوی دیگر طبق اصل ۶۰ هم در امور اجرائی کشور به جز آنچه قانون اساسی برعهده رهبری گذاشته بود، برعهده رئیس‌جمهور گرفت. اصل ۱۱۳ قانون اساسی هم آمده است که رئیس‌جمهور بعد از رهبری، آخرین‌ترین عامل رسمی کشور است. در اصل ۱۱۴ تصریح کرده که رهبری رئیس‌جمهور است و رئیس‌جمهور ریاست قوه مجریه دارد. در جز امور که مستقیما برعهده رهبری است بنابراین اگر باوریم بیشتر نخست‌وزیری را اختیار کنیم، قطعاً با تجربه‌ای که در سال ۱۳۵۸ به بعد داشتیم، انحلاست ریاست‌جمهوری حذف خواهد شد.

۴ نظام جمهوری که رئیس‌جمهور ندارد، دیگر نمی‌بیند آیا یکد حکومتی نخواهد بود!
البته این امر با کشورهایی داریم که جمهوری هستند؛ مثلا آمریکا که هیچ‌گاه اختیارات در دست نخست‌وزیر نباشد یا رئیس‌جمهور ندارند؛ مثلا ترکیه که قبلا فقط پارلمانی داشتند و بیشتر اختیارات دست نخست‌وزیر بود و با مثلا در ایران که رئیس‌جمهور است و اختیارات دست نخست‌وزیر است اما جمهوری است با ایلمان که در خارج اختیارات دارند و در هند اختیارات دست نخست‌وزیر است و کشور جمهوری است. جمهوری‌بودن یک کشور صرفا به وجود رئیس‌جمهور نیست

بسیار به وجود رئیس‌جمهور نیست

بسیار به وجود رئیس‌جمهور نیست